

سرگرمی را پاس بداریم



صوفیا نصرالهی

روزنامه‌نگار

خبر خوب اینکه، امروز قبل از نوشتن این ستون هیچ کانال خبری، سایت خبرگزاری، تیترو روزنامه و شبکه‌ی اجتماعی‌ای را چک نکردم. درنتیجه نه از بی‌آبی خبر جدیدی دارم، نه از اشعه‌ی ماورای‌بنفش در حد خطرناک، نه شورای شهر که زیرآب استارت‌آپ‌های تاکسی اینترنتی را بزند و نه بیلورها و ایده‌های شهرداری تهران که به‌منظرم قطعاً اسم سازمان زیباسازی را دیگر باید عوض کرد که شده مثال: برعکس نهند نام زنگی کافور. حتی ظهر یکدفعه اپلیکیشن «برق من»، امروز عصر را هم به‌شکل ناگهانی به برنامه‌ی خاموشی که اول هفته داده بود اضافه کرد، اما برق نرفته هنوز و یک‌ربع هم از زمان اعلامی این خاموشی جدید گذشته، درنتیجه به‌نظر می‌رسد باید خوشحال بود. البته که موقع نوشتن این ستون، آنتن موبایل و اینترنت قطع شده و احتمالاً برق منطقه‌ی دکل مخابراتی هنوز نیامده که خب وقتی در کف هرم مازلو هستی دیگر همه‌چیز را با هم نمی‌شود داشت!

اما روحیه‌ام را حفظ کرده‌ام و رازش را می‌خواهم در این ستون بگویم. سرگرمی و بطالت، ولی نه از نوع آزاردهنده‌اش. توضیح‌اش این است که وقتی آقای برتراند راسل می‌گفت «در ستایش بطالت»، احتمالاً این شیوه‌ی گشتن در اینستاگرام و دیدن ویدئوهای خبرهای جعلی که آدم را آزار می‌دهد یا حتی خبرهای واقعی که بیشتر هم آزاردهنده است، منظورش نبوده. یعنی به خودت اجازه بدهی هیچ کاری نکنی. خودم این وسواس فکری را دارم که در طول روز باید کار مفیدی انجام بدهم، نه هر ساعت و هر دقیقه‌اش، ولی واقعاً روزی نداریم که فکر کنم یک رمان معمولی بخوانم که فکرم را مشغول نکند، پیاده‌روی بی‌هدف کنم، فیلمی ببینم که قبلاً دیدم ولی الان دوست دارم باز هم ببینم‌اش، یا اصلاً هیچ کاری نکنم. تالینکه هفته‌ی پیش به توصیه‌ی دوستی، کتابی گرفتم که خواندن خودش البته جزو کارهای مفید بود اما نکته‌ای از آن برای خودم برداشتم. سوند برینکمن یک مجموعه کتاب دارد که احتمالاً در هفته‌های بعدی هم از بقیه‌شان صحبت کنم. نشر ترجمان چاپ کرده که در علوم انسانی به‌نظرم واقعاً خوش‌سلیقه‌اند. «محکم بایست» زیرتیر گویایی دارد؛ هنر مقاومت در برابر جنون خودبه‌ساز. این را گذاشتم کنار «در ستایش بطالت». این یکی می‌گوید، در جهانی زندگی می‌کنیم که دائم به ما می‌گویند چیزهای جدید یاد بگیر، وگرنه عقب می‌مانی و همین اضطراب‌مان را تشدید می‌کند. گاهی باید همان جایی که هستی، بمانی و نظاره‌گر باشی. در این مسابقه‌ی دوی سرعت نمی‌شود همیشه شرکت کنی و همیشه هم برنده شوی. این شد که دیشب تصمیم گرفتم بعد کار (بله هنوز به مدار جی نرسیده‌ام که یک روز کامل را صرف بطالت و رهایی برای روحیه‌ام بکنم) دیگر در جهت کار، قدمی برندارم. نشستم یک سریال پلیسی تکراری تماشا کردم. می‌دانید خواندن آگاتا کریستی، ژرژ سیمنون، آرتور کانن دویل، فردریک فورسایت و... به‌شکل عجیبی از کودکی تا الان آرامش‌بخش من بوده. حل کردن معمای یک قتل یا دزدی یا تعقیب و گریز یک جاسوس همان قدر ذهنم را آرام می‌کند که شنیدن نت‌های مرتب موسیقی باخ. تماشای سریال پلیسی و جاسوسی خوب هم همان حکم را دارد. و این سریال «سقوط» با بازی گیلیان اندرسون و جیمی دورنان، جزو بهترین سریال‌های پلیسی است که تا‌حالا دیده‌ام. خلاصه اینکه، فکر نکردم به جایش می‌توانم یک کتاب دست بگیرم، یک فیلم جدید یا سریال جدید ببینم. از آن طرف هم وسوسه نشدم، بروم شبکه‌های اجتماعی و الکی چرخ بزنم تا زمان بگذرد. به سرگرم شدن احترام گذاشتم. چندهفته پیش ویدئویی دیدم از آرش خوشخو در یک جلسه‌ی نقد که داشت از دست مخالفان «پیر پسر» حرص می‌خورد و به این اشاره کرد که دست از نماد دیدن همه‌چیز برداریم، به درام بها بدهیم و از آن لذت ببریم. این هم یعنی سرگرمی. اصلاً آدمیزاد وقتی سرگرمی درست‌وحسابی داشته باشد حالش خوب می‌شود. و البته که برای سرگرم‌شدن به اینترنت و برق نیاز داریم. گفتم شاید باید یادآوری کنم.

۱۶

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



يك مترو هفتاد صدم از شعر ایران

مروری بر شعر و اندیشه سیمین بهبهانی در یازدهمین سالگرد درگذشت او



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

۲۸ مردادماه، فقط سالروز آن کودتای معروف و جنجالی علیه دولت مصدق یا سوختن حداقل ۴۰۰ نفر در سینمارکس آبادان نیست. ۱۱ سال پیش در چنین روزی سیمین بهبهانی شاعر و نویسنده شهیر نیز در ۸۷ سالگی روی در نقاب خاک کشید و بدین‌ترتیب ایران یکی از شاخص‌ترین زنان تاریخ ادبیات فارسی را از دست داد. بهبهانی که به‌خاطر سرودن غزل فارسی در وزن‌هایی بی‌سابقه، استفاده از مضامینی نو و امروزی و نقش موثرش در احیای گرایش به غزل، طبق سخنی منسوب به استاد علی‌محمد حق‌شناس به «نیمای غزل» شهرت پیدا کرده بود، در سطح جهانی نیز شخصیتی شناخته‌شده بود و دویار نیز در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۲ نامزد دریافت جایزه نوبل ادبیات شد. او به نوبل ادبیات البته نرسید اما جوایز جهانی دیگری دریافت کرد چون جایزه آزادی‌بیان اتحادیه‌نویسندگان نروژ و جایزه شعر یانوس پانونیوس از انجمن قلم مجارستان. بهبهانی طی هفت دهه فعالیت هنری بیش از ۲۰ کتاب هم منتشر کرد و ۶۰۰ غزل سرود و درعین‌حال به‌عنوان عضو از کانون نویسندگان ایران موضع‌گیری‌های سیاسی خاصی خود را نیز داشت.

▼ در میانه کهن و نو

سیمین بهبهانی در کنار پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد، یکی از سه زن شاعری بود که با وجود تمام محدودیت‌ها، در این عرصه درخشیدند و نامور شدند. جایگاه بهبهانی نیز در این مثلث در میانه بود چنان‌که او نه همچون پروین، گرایشی آشکارا به ادبیات کلاسیک داشت، نه نظیر فروغ تمایلی بی‌پرده به قالب مدرن شعر. سیمین در این طیف آنگونه که قدمعلی سرامی می‌نویسد، در میانه ایستاده بود: «سیمین همان‌طور که نتوانست از شعر اجتماعی و غزل، یکی را برگزیند و ناگزیر غزل خود را به اجتماع پیوند زد، نتوانست از میان نو و کهن نیز یکی را برگزیند؛ بنابراین کوشید تا این‌دو را نیز در هم‌پیامیزد و این آمیزش در غزل‌های او با ظرافت صورت گرفته است، منتهی در غزل‌های این دو مجموعه پسین، سیمین قالب را از قدما وام گرفت و محتوا، اندیشه‌ها و مضامین را از روزگار خویش.»

▼ خانواده‌ای ادبی و سیاسی

سیمین در خانواده‌ای ادبی و سیاسی متولد شد. پدرش عباس خلیلی؛ شاعر، نویسنده و مدیر روزنامه «اقدام» بود و مادرش فخرعظمی ارغون؛ از زنان پیشرو و شاعران تحصیلکرده زمان خود بود و در جمعیت نسوان وطنخواه عضویت داشت. خانواده پدری سیمین از مبارزان انقلاب مشروطه بودند اما بعد از ایجاد ناراضیتی از وضعیت کشور ناچار از مهاجرت به عراق شدند. پدر سیمین بعدها این سنت فعالیت سیاسی را در خانواده ادامه داد. مادر او اما پیش از سیاست به ادبیات علاقه داشت، هر چند در برخی از اشعار به‌جامانده از او نیز می‌توان ردپای سیاست را یافت. برای نمونه بنگرید به این شعر: «ملک را از خون خائن لاله‌گون باید نمود/ جاری از هر سوی کشور جوی خون باید نمود/ حشمت و فرکیان گر بایدت، این خطه را/ پاک از بیداد ضحاکان دون باید نمود/ دزد‌های اجتماعی هر چه هست از شیخ و شاب/ جمله را در بار عبرت سرنگون باید نمود/ اشرف و والا شدن از دزدی و غارت چه‌سود؟/ این چنین والا و اشرف را زبون باید نمود».

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی

• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی

• سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

▼ سیمین پیش از انقلاب

عمر ازدواج عباس و فخرعظمی چندان نپایید و آنها در سه‌سالگی سیمین از هم جدا شدند. بااین‌همه، میراث ادبی و سیاسی خانواده بر وجود دختر اثر گذاشت. او که شغل معلمی را پیشه کرده بود و شهرت همسرش، حسن بهبهانی نیز به نام خانوادگی‌اش افزوده شده بود، نخستین شعرش را در ۱۴ سالگی در روزنامه «نوبهار» چاپ کرد و در سال ۱۳۳۰ نخستین مجموعه شعرش را با نام «سه‌تار شکسته» منتشر کرد. بعد از آن نیز با آثاری چون «جای پا»، «چلچراغ»، «مرمر» و «رستاخیز» شهرتی به‌هم زد. در دوران پیش از انقلاب ۵۷، او از معدود زنان عضو انجمن ادبی ایران بود و در سال ۱۳۴۸ به عضویت شورای شعر و موسیقی نیز درآمد تا در کنار هوشنگ ابتهاج، نادر نادرپور، بدالله رؤیایی، بیژن جلالی و فریدون مشیری این شورا را اداره کنند. در کنار این، او در همین دوران به ترانه‌سرایی نیز مشغول شد و بیش از ۳۰۰ ترانه سرود. مشهورترین ترانه‌هایش را خوانندگانی چون گلپا، ایرج، کوروس سرهنگ‌زاده، پوران، الهه و... خواندند. اسم‌اش را نیز گذاشته بودند «خوب و زود» چون هم خوب ترانه می‌گفت، هم زود سفارش را انجام می‌داد. بااین‌همه نگاه او به ترانه به جدیت شعر نبود: «من، هیچ‌گاه، به‌صورت یک هنر جدی به ترانه‌سرایی نگاه نکرده‌ام. تأثیر این کار را، اما در حد یک ورزش ذهنی، برای واژه‌یابی انکار نمی‌کنم... شعر را به تمهید الهام و بی‌بهبانه می‌سرایم، اما ترانه را به سفارش آهنگساز و همخوان با آهنگ و خواست او می‌سازم».

▼ دوباره می‌سازمت وطن

بعد از انقلاب نیز سیمین بهبهانی در ایران ماند و همچنان با چشمانی نگران و نگاهی تیزبین به ایران و آنچه در آن جریان داشت، می‌اندیشید. نمونه‌ای از این حالت خاص بهبهانی را می‌توان در شعر معروف او «دوباره می‌سازمت وطن» به تماشا نشست که در روزهای آخر اسفندماه ۱۳۶۰ سروده شد و به دیگر نویسنده نامور، سیمین دانشور تقدیم شد. این شعر که دوده‌بعد وقتی با صدای داریوش اقبالی در آلبومی به همین نام عرضه شد، اقبالی گسترده را نیز برانگیخت، بیانگر حالات شاعر در آن روزهای بحرانی است و وقتی در قالب ترانه و با همراهی موسیقی به گوش می‌رسد، یادآور ترانه‌های وطنی است که کسانی چون عارف قزوینی سردمدار آن بودند: «دوباره می‌سازمت وطن!/ اگر چه با خشت جان خویش / ستون به سقف تو می‌زنم/ اگر چه با استخوان خویش/ دوباره می‌بویم از تو گل / به میل نسل جوان تو/ دوباره می‌شویم از تو خون / به سیل اشک روان خویش».

▼ حق‌خواه زنان

بهبهانی در سال‌های آخر حیاتش همبستگی خود را با تلاش‌های زنان ایرانی برای بهبود شرایط خود باها اعلام کرد. در برخی تجمع‌های آنها حضور یافت و باری در شهر یورماه ۱۳۸۷ در اعتراض به تصویب «لایحه حمایت از خانواده» به‌همراه جمعی از فعالان حقوق زنان در مجلس شورای اسلامی حضور یافت و از نمایندگان خواست از تصویب این لایحه که به زعم او ضد حقوق زنان ایران است، اجتناب ورزند. این توجه البته توجهی فقط سیاسی نبود. در شعر و ترانه‌های او نیز حق‌خواهی زنانه منعکس شده است. نمونه‌ای روشن از این نگرش را می‌توان در شعر معروف «یک متر و هفتاد صدم» خواند: «یک متر و هفتاد صدم افراشت قامت سختم/ یک متر و هفتاد صدم از شعر این خانه منم/ یک متر و هفتاد صدم پاکیزگی ساده‌دلی/ جان دل‌آری غزل جسم شکیبایی زنم/ زشت است اگر سیرت من خود را در آن می‌نگری/ هیپها که سنگم زنی آینه‌ام می‌شکنم».

چهره

یاور شعر گُردی



۲۸ مردادماه ۱۴۰۱، یکی از یاوران شعر فارسی در سبک هندی درگذشت؛ کیومرث عباسی‌قصری. قصری که همین نام را برای تخلص خود انتخاب کرده بود، ۲۲ آبان‌ماه ۱۳۲۰ در قصرشیرین استان کرمانشاه، دیده به جهان گشود و بیا اینکه در زندگی‌اش مسیرهای گوناگونی از تحصیل در رشته علوم قضایی تا خدمت‌به‌عنوان افسر پلیس را پیمود،

تاوایسین دم زندگی‌اش، ایمان و باورش به شعر را رها نکرد؛ شاعری دوزبانه که هم در زبان فارسی طبع‌آزمایی کرد، هم در زبان گُردی، و هر دورا به قله‌های درخشان رساند. قصری را از پیشگامان برجسته سبک هندی در غزل معاصر می‌دانند؛ شاعری که با تکیه بر میراث صائب تبریزی، راهی روشن برای درک و لذت‌بردن از شعر پیچیده بیدل دهلوی هموار کرد. قصری، اشعاری با مضامین غنایی، عاشقانه‌وبیان احساساتی ازقبیل حسرت، رنج، شادی و غم‌های انسانی می‌سرود و به جنگ و روزگار انسانی نیز توجه داشت، اما بیش از هر چیز به ارادتش به زبان گُردی شناخته‌می‌شود. او با مجموعه‌هایی چون «حسن ختام»، «زم‌زه نارونی» و «شیرین‌شاره‌گی قصر» دغدغه‌مندی خود را برای احیای گویش کلهری به‌نمایش گذاشت و کلمات در حال فراموشی این زبان را زندگی دوباره بخشید.

کتابخانه

مقدمه‌ای بر قرآن پژوهشی جدید

کتاب «افق‌های نو در زبان‌شناسی قرآن» با عنوان فرعی تحلیل نحوی، معنایی و سبکی منتشر شد. این کتاب در هفت‌فصل تدوین شده‌وبرای پژوهشگران، استادان ودانشجویانی که درباره روش‌شناسی و چارچوب‌های نظری نوآورانه در رشته‌های مطالعات ترجمه، زبان‌شناسی و علوم قرآن و حدیث، تحقیق و پژوهش می‌کنند، منبعی مفید است. این کتاب را رضا مقدم‌کیا و عبدالله کریم‌زاده به فارسی ترجمه کرده‌اند. کتاب هفت‌فصل دارد که از نظر موضوعی و شیوه نگارش با روش‌شناختی جریان اصلی تحقیقات زبان‌شناختی قرآن کاملاً متفاوت است. نویسنده در این کتاب سعی کرده است ادبیات نظری جدیدی تولید کند که خود مقدمه‌ای بر اکتشاف شکاف‌های

پژوهشی موجود در رویکردهای سنتی قرآن‌پژوهی است و از طرفی نیز، به‌نوآوری در تحقیقات قرآنی کمک می‌کند. کتاب «افق‌های نو در زبان‌شناسی قرآن» در ۵۱۲ صفحه با قیمت ۶۶۰ هزار تومان به بازار عرضه شده است.

تاریخ

پایان نبرد پاوه

نبرد پاوه، نبردی است که طی شورش مخالفان گُرد در ایران، از ۲۳ تا ۲۸ مردادماه ۱۳۵۸ رخ داد. در این نبرد چندهزار نفر از نیروهای گُرد احزاب کومله ودموکرات، به شهر پاوه حمله کرده و کوشیدند تا آنجا را تصرف کنند. در مقابل، چندصد نفر از نیروهای ژاندارمری، ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از شهر دفاع کردند و برای تقویت دفاع شهر، حدود ۸۰ نفر از نیروهای سپاه، تحت فرماندهی علی اصغر وصالی به مدافعان پیوستند. تا روز ۲۸ مردادماه، برتری با احزاب گُرد بود و آن‌ها توانستند کم‌وبیش همه شهر به‌جز پاسگاه ژاندارمری و پادگان سپاه- را تصرف کنند. این محاصره اما پس از حضور ولی‌الله فلاحتی، فرمانده نیروی زمینی ارتش و مصطفی چمران، نماینده دولت موقت، برای حفظ شهر و در ادامه با حضور خلبان علی اکبر شیرودی شکسته شد. شیرودی به‌همراه دیگر خلبانان هوافضا از جمله احمد کشوری، به پرواز در آمدند و توانستند محاصره پاوه را بشکنند و مناطق تصرف‌شده را بازپس بگیرند. بعد از آن نیز اطلاعیه‌امام خمینی موجب حرکت نیروهای نظامی و نیروهای داوطلب مردمی به سمت پاوه شد.

انالله وانا اليه راجعون

همکاران گرامی

خانم‌ها الهه و الناز محمدی

مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند منان برای آن مرحومه علو درجات و برای شما بازماندگان محترم صبر و شکیبایی مسألت داریم.

روز نامه هم‌میهن